

حضرت غصن اللہ الاطر

حضرت بھاء اللہ میفرماید :

« ای رَبِّ فِدیتُ ما اعطیتنی لِحیوۃ العباد »

« واتحاد من فی البلاد »

پیام بیت العدل اعظم الهی شید الله بنیانه

مورخ ۲۵ مارچ ۱۹۷۰ خطاب

بعموم محافل روحانیه

ملیه

دوستان عزیز بهائی .

بمناسبت صد مین سال شهادت حضرت غصن اطهر
مقارن با ۲۳ جون ۱۹۷۰ از قاطبه یاران الهی در
سراسر عالم دعوت میشود که در اقامه دعا و مناجات برای
"احیاء عالم و اتحاد امام" همدم و همدگم گردند .
در آن ایام که هیکل مبارک حضرت بهاء الله در یکصد
سنه قبل در سجن عکا مسجون و با انواع محن و آلام گرفتار
بودند رزیه در دناک دیگری رخ گشود که بر مصائب هیکل
قدم بیفزود و آن حادثه پراحتراق شهادت غصن نیر
آفاق و مصاحب مظهر نفس الله راقم آیات الهی میسرزا
مهدی غصن الله الا طهر میباشد نفس مقدسی که در حین
عروج روح پران جذایش بملکوت ابهی از آب بزرگوار خود
رجانمود که حیات وی "چون فدیہ ای در تحقق آمال"

- ۲ -

دوستان و گشایش بابلقا بروجه اهل بهاء قبول گرد .
در لوح مبارکی که در آن ساعت پرحرقت از قلم مالک احد
نازل گردید این بیان مقدس نازل "هَذَا يَوْمٌ فِيهِ اسْتَشْهَدُ
مَنْ خُلِقَ مِنْ نُورِ الْبِهَاءِ اِذْ كَانَ مَسْجُونًا بِأَيْدِي الْأَعْدَاءِ"
و گذشته از این رتبه اسنی و مقام اعلی هیکل وفا صعود
آن غصن روحه بقاراد ارای آثاری عسیق تر و انواری جلیل تر
از نفس استدعای آن مستشهد فی سبیل الله شمرده و با
این بیان اعلی مقام او راستایش میفرماید :
" اِنَّكَ اَنْتَ وَدِيْعَةُ اللّٰهِ وَكَنْزُهُ فِي هَذِهِ الدِّيَارِ سَوْفَ
يُظْهِرُ اللّٰهُ بِكَ مَا ارَادَ " و در مناجاتی که از قلم اعلی در شأن
آن جوهر محویت و فنا نازل این کلمات دریات مذکور :
" اِي رَبِّ فَدِيْتُ مَا اَعْطَيْتَنِي لِحَيٰوةِ الْعِبَادِ وَاتِّحَادِ مَنْ
فِي الْبِلَادِ " با این عنایات لانهایه مبارك معلوم میشود
برای آن غصن الهی که چنین خلوص و حقیقتی از خود
ظا هر نموده و چنین علو ذات و سمو منقبتی بمنضه ظهور
رسانده و بتمام اشتیاق جان در سبیل محبوب ابهی

فد اگر دهجه مقام عظیم و رتبهٔ اعلائی در امر مقدس الهی
مقدّر گردیده است.

باتوجه باین حرقت پرفرقت که ظهور و بروزش موجب ظهور
آثار عظیمه و انوار بهیه در عالم وجود خواهد گردید این
هیئت انعقاد جلسات مخصوصه دعا و مناجات را با اختیار
محافل روحانیه محول مینماید تا هر نوع مقتضی را اندا اقدام
نمایند. در ارض اقد سر مرکز جهانی امر الله اجتماع مخصوص
بر مزار آن مستشهد فی سبیل الله در جبل کرم برقرار
خواهد گردید و مراتب جانفشانی آن جوهر وفا که چنین -
سرمشق جلیل و متعالی از فداکاری و ایثار جان در سبیل
محبوب امکان باهل عالم اهداء نموده با تلاوت بیانات
مبارکه اب بزرگوارش مورد تجلیل و تکریم قرار خواهد گرفت.
باتحیّات مشتاقانه

بیت العدل اعظم

نقل از کتاب قرن بدیع :

در بحبوحه این بلایا و رزایا مصیبت دردناک و ناگهانی
دیگری رخ گشود که بر احزان و آلام مبارک بیفزود و آن عروج
نفس مقدس جناب میرزا مهدی غصن الله الاظهر برادر
بیست و دو ساله حضرت عبدالبهاء و کاتب وحی الهی
بود این ذات مقدس در ایام صباوت پس از مراجعت
حضرت بهاء الله از مهاجرت کردستان از طهران به
بغداد منتقل و به اب بزرگوارش ملحق گردید و از آن -
تاریخ به بعد در نفی و سرگونی جمال اقد سرایی مصاحب
و همراه و تا آخرین دم حیات با غربت و کربت و اسارت و
مسجونیت آن طلعت احدیت شریک و سهیم بود این
غصن ریّان سدره سبحان هنگام غروب در حالی که برفراز
بام قشله مشی میفرمود و بروش معهود بتوجه و مناجات
بساحت حضرت معبود ماء لوف و در دریای از کار مستغرق
بود از غایت جذب از خود بیخود شد و از حفره ای که جهت

روشنائی حجرهٔ زیرین تعبیه شده بود بزیرافتاد و هیکل
 اطهرش با صندوق چوبی که در همان حجره تحتانی
 قرار داشت تصادم نمود و اعضاء و اضلاع صدمه شدیدی
 یافتند و اثر این حادثه پس از مضي بیست و دو ساعت
 طبر و حشر معراج قدس علیا پرواز نمود و در رفارف آسنس
 لانه و آشیانه ساخت و آن رزیه کبری یوم ۲۳ ربیع الاول
 ۱۲۸۷ هجری (مطابق با ۲۳ ژوئن ۱۸۲۰ میلادی)
 اتفاق افتاد و آن سانج وفادر لحظات اخیر حیات از
 ساحت اقدس سر جان نمود که جان مقدسش چون فدیهای در
 سبیل تحقق آمال دستان قبول و بارادات خفیه الهیه
 ابواب سجن و لقا بر وجه اهل بها گشوده گردد .
 در مناجاتی که از قلم اعلی در وصف آن غصن دوحه بقا
 نازل شهادت کبرایش را بمشابه قربانی فرزند حضرت
 ابراهیم و جانبازی حضرت روح برهلیب و شهادت حضرت
 سید الشهدا در ارض نطف که در ادوار سابقه و ظهورات
 ماضیه موجب نجات امم و ملل مختلفه بوده در این

عصرا عظم علت حیات عالم و حصول وحدت اصلیه در انجمن
 بنی آدم میسرند در این مقام این بیانات عالیات مسطور
 قوله الا حللی : " ای رب فدیت ما اعطیتنی لِحیوة العباد
 و اتحار من فی البلاد " و نیز خطاب بان غصن شهید -
 میفرماید : " انک انت و دیعۃ الله و کنزه فی هذه الدیار
 سوف یظهر الله بک ما اراد انه لهم و الحق علام الغیوب " .
 و بعد از آنکه جسد اطهر را در حضور جمال اقدس ابهسی
 غسل دادند آن معدن وفا و مظهر عبودیت کبری را که لسان
 قدم در شائش بره بیان من خلیق من نور البهائم ناطق و -
 مظلومیتش از قلم اعلی مذکور و اسرار صعودش مکشوف گردیده
 بهراهی حافظین قشله بخارج شهر انتقال داده و در محلی
 مجاور مقبره نبی صالح بخاک سپردند تا آنکه هفتاد سنه بعد
 آن رمس مظهر بار مسنونر ام بزرگوارش از مقر مذکور بدامنه
 جبل کرمل در ظل مقام پیرانوار حضرت نقطه اولی و قرب مضجع
 اخت جلیلش حضرت ورقه علیا منتقل گردید .

غُصْنُ الْبَهَاءِ الْمَخْلُوقِ مِنْ نُورِ الْبَهَاءِ
(مقصود حضرت غصن الله الاطهر است)

اسم مبارك ایشان جناب آقا میرزا مهدی سومین فرزند
حضرت بهاء الله و از خانم محترمه حضرت ام الكائنات
در سال ۱۲۶۶ هجری قمری در بیت مبارك در طهران -
متولد و فاصله سن ایشان با حضرت عبد البهاء شش
سال و با حضرت ورقه علیا سه سال بوده است و ایشان
در سال رنج و محن یعنی در سالی که شهادت نقطه
اولی و شهادت شهدای مظلوم شی ریز واقع متولد شده اند
در موقع تبعید جمال مبارك از طهران به زورا (بغداد)
سه ساله بوده اند لذا بواسطه طفل بودن ایشان با امر
جمال مبارك ایشان در طهران در نزد اقارب و اقوام
مبارك ماندند و در سال ۱۲۷۶ هجری قمری یعنی
ده سال بعد حرم دوم حضرت بهاء الله بطهران آمدند

و ایشان را با خود بمبغداد بردند و مشهود است که در
مدت هفت سال (یعنی از ۱۲۶۹-۱۲۷۶) ^ل
فوق العاده از دوری جمالقدم محزون بودند و چون در سا
(۱۲۸۰) تبعید جمالقدم از بغداد باسلامبول وارد رنه
و عکا واقع گردید ایشان کاتب وحی جمال مبارك بودند و خط
بسیار خوب داشته اند و عکسی که الان از ایشان در دست
هست در ادرنه گرفته شده است و در ایام ادرنه ۱۸ یا
۱۹ ساله بوده اند و از حدیث صورت و سیرت فوق العاده
بحضرت عبد البهاء شبیه بوده اند و در ایام مبارك احباء
فوق العاده منجذب اخلاق و اطوار ایشان بوده اند و پسر
از تبعید جمالقدم از ادرنه بعکا و ورود بقشله غصن اطهر
هم جزو محبوسین بوده اند . بمحض ورود کشتی بحیفا از
آنجا جمال مبارك و عائله با قایق از حیفا بعکا تشریف برده اند
و در شب اول آب و نان هم بعائله مبارك دادند و پسر از -
ورود بعکا حضرات ضباط به مردم عکا طوری وانمود کردند
که اینها کافرو مرتد هستند ولی چون مرسوم بود که هر روز یک

نفر از اولاد جمال مبارک برای خریدن لوازم به بازار تشریف
 میبردند روزی حضرت عبدالبهاء تشریف بردند و در موقع
 ورود به دکان قصابی مشاهده میفرمایند که يك نفر مسیحی
 با صاحب مغازه که مسلمان بوده است شروع به محاجه
 نموده و تقریباً غالب و فائق بر آن مسلمان آمده بود لذا
 حضرت عبدالبهاء مداخله فرموده و حقانیت حضرت محمد
 را ثابت فرمود. این خبر در بین عامه منتشر شد و سوءظن
 مردم بحسن ظن تبدیل شد و يك نفر از تجار ایرانی هم
 بعدگام مسافرت نموده و احباب الهی بر او وارد میشدند و تقریباً
 در همین موقع بود که حضرت حاج میرزا ابوالحسن امین
 بحضور مبارک جمال اقد برابهی مشرف شده اند.
 باری با وجود همه وسائل رخائی در امور حاصل نشد و از
 بیانات مبارک اینطور برمیآید که فدائی برای فتح باب
 سخن لازم است و چون مرسوم غصن اطهر این بود که غالباً
 طرف عصر برای تحریر وحی بحضور مبارک مشرف میشدند
 و پس از فراغت از تحریر وحی بهام قشله تشریف برده در

نهایت انجذاب بمناجات مشغول میشدند در حالتیکه
 گاهی متوجه دریا و وقتی متوجه صحرا بودند از قضا
 روزی بحضور مبارک مشرف شده و حاضر بودند خود را برای
 تحریر آیات عرض نمودند جمالقدم فرمودند امروز روز نزول
 آیات نیست لذا شما بیام رفته و بمناجات مشغول شوید
 چون غصن اطهر با مر مالک قدری به تشریف برد و در غایت
 توجه ماشیاً به تلاوت مناجات پرداختن قضا از غایت
 جذب از خود بی خود شد و حکمت بالغه الهی چنین
 اقتضا نمود که آن گل نورسته بوستان الهی در عنفوان
 جوانی قصد معارج علیا نماید لذا از روزنه ای که
 آفتاب به محبس اطهر میتابید بزیرافتاد و فرق مبارک
 شکافته شد و دم جاری گشت چون عائله مبارک برای
 حارثه مؤلمه آگاهی یافتند حضرتش را با طاق قشله
 آوردند و چون بنیه ضعیف بود قادر بر حرکت و تشرف
 بحضور آب بزرگوار نبود لذا جمالقدم جل ذکره الافخم
 بهالین ایشان تشریف آورده و بیانات مبارک در آن موقع

مبنى بر لطف و عنایت و نوازش و مقبولیت این فدائی بود .
 باری حضرت غصن اطهر پس از سقوط قریب به ۲۲ ساعت
 دیگر در این جهان خاک تشریف داشتند و بعد بعالم بالا
 و جهان ملکوت مرغ و حشر مقارن غروب ۲۳ ربیع الاول -
 ۱۲۸۷ (هجری قمری) مطابق با ۲۳ جون ۱۸۷۰ - م) در
 حالتیکه از سن مبارکش بیشتر از ۲۲ سنه نمیگذشت پرواز
 نمود و چون غسل از تفصیل جسد اطهرش امتناع نمود
 جناب آقامیرزا حسن عموزاده جمال اقدس ابهی ایشان
 را غسل دادند و در نبی صالح مقر و مأوی یافتند و بعداً
 بامر حضرت عبد البهاء ارواحنا لرفسه الا طهر فدای مقام
 انورشان تعمیر و آیه مبارک (یا ایتها النفس المطمئنه
 ارجعی الی ربک راضیه مرضیه) بر لوح آن مقر اطهر
 منقوش شد و بر همین حال بود تا چند سال قبل اراده -
 مطلقه حضرت ولی امر الله شوقی ربانی بر آن قرار گرفت
 که رمس اطهر غصن اطهر را بارمس مطهر ماد رشر آسیه
 خانم از مقر اولی بکوه کرمل انتقال دادند و این واقعه
 بتفصیل در توفیق حضرت ولی امر الله در باره انتقال

رسمین نازل شده مذکور است .
 باری چون بواسطه صعود حضرت غصن اطهر ناله و زاری
 از عائله مبارک و احبای الهی بلند شد رفته رفته بسبب
 سجن مفتوح و خیمه عظیمت جمال قدم زینت بخش مزرعه
 گردید . پس از صعود حضرت غصن اطهر از قلم مبارک
 زیارتنامه ای یافتند و ایشان نازل شد صورت آن اینست
 در لوح آقامهدی فرهادی قزوینی میفرماید قوله تعالی :
 " هذا حین فیہ یفسلون الابن امام الوجه بعد الذی
 قدیناه فی السجن الاعظم بذلک ارتفع نحبیب البکاء
 من اهل سوادق الابهی و نوح الذین حبسوا مع الغلام
 فی سبیل الله مالک یوم المیعاد فی مثل هذه الحاله
 مانع القلم عن ذکر ربیه مالک الامم یدعو الناس الی الله
 العزیز الوهاب هذا یوم فیہ استشهد من خلق من
 نور البهاء ان کان مسجوناً بایدی الأعداء علیک یا غصن الله
 ذکر الله و ثنائیه و ثناء من فی جبروت البقاء و ثناء من
 فی ملکوت الاسماء طوبی لک بما وقیت میثاق الله وعهده

إِلَى أَنْ قَدَيْتَ نَفْسَكَ، أَمَّا وَجْهِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْمُخْتَارِ
أَنْتَ الْمَظْلُومِ وَجَمَالِ الْقِيَوْمِ قَدْ حَمَلْتِ فِي أَوَّلِ أَيَّامِكَ
فِي سَبِيلِ اللَّهِ مَا نَأَدَتْ بِهِ الْأَشْيَاءُ وَتَزَلَّزَلَتْ الْأَرْكَانُ
طَوْبَى لِمَنْ يُذَكِّرُكَ وَيَتَقَرَّبُ بِكَ إِلَى اللَّهِ فَالِقِ الْأَصْبَاحِ
... الخ "

گویند حضرت غصن اطهر در بام قشله به تلاوت قصیده
عزّ و رقائیه مشغول بودند و چون باین بیت رسیدند
بَسَطْتُ بِكُلِّ الْبَسَطِ لِإِلْقَاءِ رِجْلَيْهَا عَلَيَّ قَلْبِي وَهَذَا مِنْ
أَوَّلِ مُنِيَّتِي چنان بی خود شدند که از روزه بام بزیر
افتادند و در لوح محمد تقی نام نیز میفرمایند " یا محمد
تقی عظم الله اجرک فی ابنک الذی صعّد الیه کما صعّد
ابنی مهدی فی اول الورد فی السّجن . . . الخ انتهى
در لوح قرن ادبای امریک در ضمن فصل یازدهم
ص ۱۱۸ از قلم حضرت ولی امر الله جلّ ثنائه شرح
شهادت جناب غصن اطهر نازل گردیده مراجعه شود .
حضرت ولی امر الله در لوح انتقال رمسین اطهریــــن

میفرمایند قوله الاحلی :

" . . . غصن جلال حنظل جفارا چون غسل مصقوی
بنوشید و از سدّ باب لقابروجه اهل بها بنالید و بزارید
شب و روز بر خد مت آب آسمانی قیام نمود و راقم آیات
وحی الهی گشت و از عالم و عالمیان چشم بر بست و در
بحر بیانش مستغرق شد از هستی خود بیزار شد و -
بجمالش دل بست رنجور و علیل گشت و عاقبه الامر در
عنقوان شباب متوجّهاً الیه منقطعاً عن دونه مستغرقاً
فی بحر کلماته متممياً بکلیته الفداء انجز اباً الی
ملکوتیه بمظلومیّت بی منتهی خود را فدای جمال ابهی
نمود و تاج شهادت کبری بر سر نهاد و باین بیان مبارک
احلی که از قلم اعلی صادر و مفتخر گشت " هذا حین فیهِ
یفسلون الابن امّام الوجه بعد الذی قد ینسأه
فی السّجن الاعظم بذلک ارتفع نحب البکاء من اهل
سرادق الابهی ونوح الذین حبسوا مع الغلام فی
سبیل الله مالک یوم المعاد " و همچنین میفرماید .
" هذا یوم فیهِ استشهد من خلق من نور البهائم ان کان

مسجوناً بایدی الأعداء " ودر مقام دیگر میفرماید " انت
المظلوم وجمال القيوم قد حملت في أول أيامك
مناحت به الأشياء وتزلزلت الأركان طوبى لمن يذكره
ويتقرب بك الى الله فالق الأصباح "

وایضا میفرماید . " یامیم المجد انت ارتقیت بروح وریحان
ومحبیک فی الأحزان كذلك قضی الرحمن إنه لهوالمهمین
القیوم . . ان یاهاء الهویه قصدت معارج القدس و -
ترکت الدنیا فی سبیل ربک أشهد أنك انت الذی ارتقیت
إلى مقام محمود و أشهد أنك رجعت مظلوماً الى مقرك طوبى
لك وللدین تمسکوا بذیك الممدود أن یادل الابدیه
قد تشرفت بك تلك الارض وما حولها أنك انت وریعة الله
وكنزه فی هذه الدیار سوف یظهر الله بك ما اراد انه لهو
علام الغیوب با استقرارك على الارض تزلزلت فی نفسها
شوقاً للقاءك كذلك قضی الأمر ولكن الناس لا یفقهون
أن یا یاء القدیمه طوبى لك بما انفقت روحك فی السجن
الاعظم بعد الذی كنت بین یدی الذین كفروا باللله

فی الیوم الموعود انا لوندكر اسرار صعودك لینتبهن
اهل الرقود ویشتمعن الوجود بنار ذکراسم العزیز
الودود . " همچنین در یکی از مناجاتهای صادره از
قلم نیر آفاق روحی لرشحات قلمه الاعز فدا این بیان
افخم نازل " سبحانک اللهم یا الهی ترانی بیمن
ایاری الأعداء والابن محمداً بدمه امام وجهک یا من -
بیده ملکوت الاسماء ای رب قدیت ما اعطیتنی لحيوة
العباد واتحاد من فی البلاد . "

ای یاران الهی ملاحظه نمائید این بیان در این مناجات
چه مقدار عظیم است و این رتبه و مقام بجهت دی رفیع
و جلیل بنصر صریح میفرماید . " قدیت ما اعطیتنی لحيوة
العباد واتحاد من فی البلاد " احیای عالم واتحاد امم
که از خصائص این دور اعظم است و اعلان وحدت عالم
انسانی که اعظم و اول مبدا این امر اقوم است و سراپرده
آن باید من بعد در قطب امکان پس از اتمام انقلابات
حالیه جهان بر حسب نبوت انبیای عظام و بشارات -

مسطوره در الواح قیمه مالك انا م مرتفع گردد از برکت
شهادت غصن مقدس ریان جمال رحمن در عالم امکان
تحقق خواهد یافت همچنانکه در ادوار سابقه یعنی در دور
حضرت ابراهیم اسماعیل و در دور حضرت مسیح نفس مقدس
آن حضرت و در دور فرقان حضرت سید الشهدا^۱ و در کور
بیان حضرت ربّ اعلیٰ روحی لرشحات مهم الاطهر فدا^۱
حاضر و مهمیای فدا جبهه تطهیر و استخلاص اهل عالم -
گشتند و بقرابانگاه فدا شتافتند در این کور بدیع حضرت
غصن الله الاطهر بفرموده جمال قدم واسم اعظم جام
شهادت را بنوشید تا باب لقا بوجه اهل بها مفتوح گردد
و عالم و عالمیان حیاتی جدید یابند و وحدت اصلیه در جا^{معه}
بشریه تحقق پذیرد و وحدت عالم انسانی اعلان گردد و عالم
ادنی آئینه ملکوت بهی شود تعالی تعالی مقامه المتعظم
المتعزز المتعالی البازخ المنیع تعالی تعالی اسمیه
المبارک الاطهر الاعز الرفع الاشرف البدیع. انتهى